

# والتر بنیامین خیابان یک طرفه

ترجمه‌ی حمید فرازنده



نشر مرکز

## فهرست

- یادداشت مترجم ..... ۱
- خیابان یک طرفه (والتر بنیامین) ..... ۳
- سیمای والتر بنیامین (سوزان سونتگ) ..... ۸۷
- «خیابان یک طرفه»ی بنیامین (تئودور آدورنو) ..... ۱۱۹
- نمایه ..... ۱۲۹



مکانیکی دارد: کسی بالای توربینی نمی‌رود و قوطی روغن را روی آن سرازیر نمی‌کند؛ کافیست چند قطره روغن لابلای شیارها و منفذهای مخفی که از جای‌شان خبر دارد، بریزد.

### اتاق صبحانه

باوری قدیمی هست که تعریف خواب با شکم گرسنه را جایز نمی‌شمرد. آدم در این حالت، با این که بیدار است، هنوز تحت تأثیر نیروی جاذبه‌ی رؤیاست. زیرا شست و شو تنها سطح بدن و حرکت‌های مرئی دست و پا را بیدار می‌کند، در حالیکه در لایه‌های ژرف‌تر بدن، حتا در حین شست و شوی صبح‌گاهی، سایه روشن‌خاکستری رنگِ رؤیا باقی می‌ماند و در تنهاییِ اوّلین ساعت بیداری از سر جای خود جم نمی‌خورد. کسی که به خاطر ترس از دیگران یا به خاطر خویشتن‌داری‌اش از تماس با روز پرهیز می‌کند، میلی به صبحانه خوردن از خود نشان نمی‌دهد. این است که از گسیختگی جهان شب و روز پرهیز می‌کند - پرهیزی که تنها با سوختن رویا، اگر نه در دعایی، که در یک کار جدی صبح‌گاهی جلوه کند. و از سوی دیگر موجب می‌شود ضرباهنگ‌های حیاتی مغشوش شوند. [در چنین حالت روحی] بازگویی رؤیاها مصیبت‌بار است، زیرا کسی که هنوز نیمی از وجودش منسوب به جهان رؤیا است، در واژه‌هایی که به زیانش جاری می‌شود، آن جهان را لو می‌دهد و موجب می‌شود آن جهان از او انتقام بگیرد. به بیان امروزی‌تر: او خود را لو می‌دهد. از آن حد فراتر رفته است که بتواند صافی و پاکی رؤیا دیدنش را مصون نگه دارد؛ او به همی آن چه در رؤیا دیده است ناشیانه تسلیم می‌شود. زیرا تنها از کرانه‌ی روبرو، از روشنایی پهن‌آور روز می‌توان رؤیا را به دور از هرگونه تعرضی به یاد آورد. این جنبه‌ی رؤیا تنها از طریق پالایشی که هم‌تراز شست‌وشو

نام این خیابان «آسیه لاسیس»<sup>۱</sup> است، همان مهندسی که سازنده‌ی آن در درون نویسنده بوده است.

### ایستگاه بنزین

امروزه ساختار زندگی، بیش از آن که متأثر از باورها و اعتقادات باشد، در ید قدرتِ رخدادهاست؛ رخدادهایی که هیچگاه اساس آن باور و اعتقادات قرار نگرفته‌اند. در این شرایط، فعالیت‌های ادبی نمی‌تواند به یک چارچوب ادبی محدود بماند - چنین چیزی تأیید همان حرف‌های معروفی است که از بی‌ثمری ادبیات بر سر زبان‌هاست. امروز کار ادبی به شرطی موثر است که عمل و نوشتن متناوباً به یکدیگر تبدیل شوند؛ این فعالیت باید فرم‌های ناآشکار را بصورت اطلاعیه‌ها، بروشورها، مقاله‌های مطبوعاتی، و فیش‌دان‌ها که در مقایسه با حالت پر مدعا و جهانی کتاب، یک نوع ارتباط فعال است، بارور کند. تنها این زبان چالاک می‌تواند خود را فعلاً نه هم‌ارز زمان حال نشان دهد. اهمیت عقاید برای جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی مانند اهمیتی است که روغن برای یک دستگاه